

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درباره مسئله هلال با توفیق پروردگار متعال از ابعاد گوناگونی بحث صورت گرفت و از همه جهات مسئله برای ما کاملاً روشن شد و فهمیدیم که از نظر فرهنگ اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) اول ماه عبارت است از تحقق و تشکل ماه به شکل هلال. آیت الله طبا طبایی اعلی الله مقامه در تفسیر آیه ۱۸۹ از سوره بقره: یسئلونک عن الأهلة قل هی مواقیت للناس والحج می فرمایند: یسئلونک عن الأهلة سؤال از ماهیت هلال نبوده و إلا باید در آیه لفظ عن الهلال ذکر می شد و همچنین سؤال از ماهیت قمر هم نبوده و إلا باید عن القمر در آیه ذکر می شد، بلکه در آیه شریفه یسئلونک عن الإهله به لفظ جمع آمده، یعنی هلال بعد از هلال که طبق فرمایش خداوند متعال: *إن عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً*: در سال ۱۲ بار تکرار می شود، بنابراین در آیه شریفه از أهلة سؤال شده که برای چه موضوعی می باشد؟ جواب داده شده که این أهلة مواقیت می باشند یعنی تعیین اوقات بر این اساس صورت می گیرد فلذا در اسلام هم عدة و أداء دین و بلوغ و امثال اینها همه براساس همین ماههای قمری می باشد که از هلال نشئت می گیرد. خوب ما عرض کردیم که اگر هلال ماه ثابت شود برای کل جهان اول ماه می باشد و این هلال ماهی یک مرتبه محقق می شود و تعدد پذیر نیست و همچنین گفتیم که رؤیت موضوعیت ندارد بلکه یک امر طریقی می باشد، اینها مطالبی بود که با توفیق پروردگار درباره آنها بحث کردیم. در تتمه بحث رؤیت باید عرض کنیم که ماه در حرکت خودش باید به شکلی در بیاید که قابل رؤیت باشد یعنی باید به شکل هلال در بیاید، چون همانطور که عرض کردیم ماه وقتی می خواهد از محاق خارج شود و حرکت کند اول نور خیلی ضعیف و کمی دیده می شود که چشمگیر نیست و قابل رؤیت هم نیست، اسلام این را مبدأ قرار نداده بلکه باید ماه یک مقدار بیشتری حرکت بکند تا اینکه آن نور کم و ضعیف به شکل هلال دیده بشود، که در این موقع اول ماه محقق شده است. بنابراین در اینجا یک بحثی بوجود می آید

و این که آیا وقتی که ماه متشکل به شکل هلال شد میزان و مبدأ است و یا اینکه همان موقع که در حال خارج شدن از محاق می باشد و نور خیلی کم وضعیفی دارد میزان و مبدأ می باشد؟ در اینجا باید عرض کنیم که آن موقعی که ماه متشکل به شکل هلال شد و چشمگیر و قابل رؤیت شد میزان و مبدأ می باشد. باز بحث دیگری در اینجا وجود دارد و آن اینکه وقتی که ماه به شکل هلال در آمد و قابل رؤیت شد آیا رؤیت ماه با چشم عادی میزان است یا اینکه با چشم مسلح یعنی با دوربین و تلسکوپ و امثال اینها هم رؤیت محقق می شود؟ ما قبلاً گفتیم که رؤیت طریقی است و حکم متعلق به واقع می باشد یعنی حکم دایره مدار هلال واقعی ماه می باشد پس چه شما ببینید و چه نبینید اول ماه محقق شده و احکام مترتب بر اول ماه هم محقق شده، حالا اگر شما بخواهید ببینید باید علم پیدا کنید اعم از اینکه دیدن شما با چشم عادی باشد یا با عینک و یا با دوربین و یا با تلسکوپ باشد، در هر صورت فرقی نمی کند چون واقع محفوظ تشکل ماه به شکل هلال می باشد که محقق شده و شما باید با رؤیتتان علم به آن واقع پیدا کنید و دیگر فرقی نمی کند که از چه راهی علم برای شما حاصل می شود. بنابراین اگر برای شما با تلسکوپ و دوربین و امثال اینها علم به واقع حاصل شد اشکالی ندارد، در سایر موارد هم به همین صورت می باشد مثلاً ماهی ها اگر پولک داشته باشند حلال گوشت و إلا حرام گوشت می باشند، از امام رضوان الله علیه سؤال کرده بودند که بعضی ماهی ها هستند که پولک دارند ولی به اندازه ای خودشان را به سنگها می زنند که آن پولکها سائیده می شود اما اگر با میکروسکوپ نگاه کنیم می توانیم پولکها را ببینیم حکمش چیست؟ امام رضوان الله علیه فرموده بودند که حلال است. پس در اینجا لازم نیست با چشم عادی پولک های ماهی را ببینیم چون واقعیت این است که ماهی پولک دار حلال است حالا چه ما پولک هایش را با چشم عادی ببینیم و چه با ابزار و آلات خاصی. باز به عنوان مثال فرض کنید که منی به لباسی اصابت کرده باشد، وقتی نگاه می کنیم چیزی در لباس نمی بینیم ولی اگر با میکروسکوپ نگاه کنیم اجزای منی را می بینیم، خوب اشکالی ندارد در این صورت هم حکم به نجاستش می کنیم. بنابراین وقتی که حکم متعلق به واقع باشد

می باشد و این مطلب در جلد ۲ جامع الروات ص ۵۳۷ آمده که اسناد شیخ صدوق و علی بن جعفر صحیح است، از امام (علیه السلام) سؤال شده که در شب عید فطر یک نفر به تنهایی هلال ماه را دیده آیا باید روزه بگیرد یا نه؟ امام (علیه السلام) فرموده اند که اگر واقعاً به هلال علم پیدا کرده ولو اینکه یک نفر باشد باید روزه اش را بخورد چون برای آن شخص فردا عید خواهر بود ولی اگر شک به رؤیت هلال دارد باید مثل بقیه روزه بگیرد. پس مناط علم است و علم هم طریق است چه از راه رؤیت باشد و چه از غیر راه رؤیت و چه رؤیت با چشم عادی باشد و چه با دوربین و تلسکوپ و امثال اینها. خوب فکر می کنم که تا به حالا مسائل مربوط به هلال از تمام جهات مورد بحث قرار گرفت و بنده معتقد هستم که روزی خواهد آمد که یک روز برای همه مردم عید باشد و یک روز هم اول رمضان باشد این شاء الله تعالی . . .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

دیگر فرقی نمی کند که طریق علم به آن واقع چگونه خواهد بود. در مانحن فیه هم به همین صورت می باشد یعنی اگر ماه به متشکل به شکل هلال بشود اول ماه ثابت است حالا به هر طریقی برای ما علم به ثبوت هلال پیدا شود اشکالی ندارد چرا که معیار ثبوت هلال است و حکم هم مترتب بر آن می باشد. دیروز اشکالی در رابطه با حد ترخص مطرح شد ، بنده عرض می کنم که بحث حد ترخص چند فرق با ما نحن فیه دارد؛ اولاً در حد ترخص رؤیت جدران و عدم رؤیت آن موضوعیت دارد، یعنی از جایی که حرکت کرده ایم به یک فاصله ای برسیم که اذان را نشنویم و دیوارهای شهر را هم نبینیم ، پس رؤیت و عدم رؤیت در حد ترخص موضوعیت دارد ، یعنی در اینجا رؤیت خودش موضوعی است که در موضوع حکم اخذ شده چون خود جدران که موضوع نمی باشد بلکه رؤیت موضوع حکم می باشد. ثانیاً در بحث حد ترخص قرینه داریم که چشم عادی معیار و میزان است چون اگر دیدن دیوارهای شهر با تلسکوپ کافی باشد در این صورت اگر شما ۲۰ فرسخ هم بروید باز می توانید آنها را ببینید و حال آنکه حد ترخص ۴ فرسخ می باشد . ثالثاً اگر این اشکال وجود داشته باشد مشترک الورد می باشد یعنی اگر کسانی که قائل به وحدت افق هستند هم اگر با تلسکوپ ببینند باز هم می گویند وحدت افق اعتبار دارد و اگر ما هم با تلسکوپ ببینیم می گوئیم وحدت افق اعتبار ندارد، پس فرقی نمی کند چون بحث باز می گردد به اینجا آیا اگر ماه دیده شد وحدت افق در ثبوت هلال اعتبار دارد یا نه؟ ولی ما می گوئیم که اگر به هر طریقی و یا هر وسیله ای ببینند اول ماه ثابت است. روایاتی در این رابطه داریم که امام (علیه السلام) فرموده اند که اگر یک نفر هم برایش علم حاصل شود باید روزه اش را بگیرد، خلاصه اینکه میزان علم است حالا از هر راهی که حاصل بشود ، حالا به این روایاتی که که می خوانم توجه کنید؛ در خبر اول از باب ۴ از ابواب احکام شهر رمضان ص ۱۸۸ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی این طور آمده: محمد بن علی بن الحسین باسناده عن علی بن جعفر أنه سأل أباه موسى بن جعفر (علیه السلام) عن الرجل يرى الهلال في شهر رمضان وحده لا يبصره غيره، أله أن يصوم؟ قال: إذا لم يشك فليفطر وإلا فليصم مع الناس: اسناد شیخ صدوق و علی بن جعفر صحیح